



زبان فارسی

در کنکور



مؤلف: غلام رضا یزدانی



انتشارات خوشخون



فهرست مطالب

۱	فصل ۱ جمله (واج، تکواژ، ...)
۷۱	فصل ۲ ویرایش
۱۱۹	فصل ۳ جمله‌های ساده و اجزای آن
۲۱۹	فصل ۴ گروه اسمی
۲۵۹	فصل ۵ ساختمان واژه
۳۱۹	فصل ۶ سایر موارد
۳۱۹	قواعد ترکیب
۳۲۱	انواع حذف
۳۲۲	صامت میانجی
۳۲۳	گذرا کردن فعل
۳۲۵	ساختمان فعل
۳۲۷	نظام معنایی زبان
۳۲۸	فرایندهای واجی
۳۳۰	نقش‌های تبعی
۳۳۱	انواع حروف و کاربرد آن‌ها
۳۳۵	استفهام انکاری
۳۳۵	ترکیب مقلوب
۳۳۵	صفت فاعلی مرکب مرخم
	فهرست منابع و مراجع



جمله (واج - تکواژ و ...)

زبان از واحدهایی تشکیل می‌شود که به آن‌ها، **واحدهای زبانی** گفته می‌شود که به ترتیب از کوچک به بزرگ بدین شرح است:

۱. واج ۲. تکواژ ۳. واژه
۴. گروه ۵. جمله ۶. جمله‌ی مستقل

واج



• **واج** کوچکترین واحد زبانی است که به تنهایی معنا ندارد ولی تمایز معنایی ایجاد می‌کند.

مثال ۱ واج /ـ/ معنی ندارد ولی اگر در واژه‌ی /گل/ جایگزین واج /ـ/ شود آن را به /گُل/ تبدیل می‌کند و معنی واژه را عوض می‌کند.

واج‌ها عبارتند از:

۱. **صامت‌ها:** حروف الفبا (ب - ت - ج - د - و ...)

۲. **مصوت‌ها:** کوتاه (اَ - اِ - اُ) بلند (آ - ای - او)

✓ **نکته‌ی ۱.** زبان فارسی ۲۹ واج دارد (۲۳ صامت و ۶ مصوت)



✓ **نکته ۲.** واج اول همه‌ی واژه‌ها «صامت» و واج دوم «مصوت» است پس واژه‌های «آب» و «آباد» به ترتیب :
 /ء/ ، /ا/ ، /ب/ = ۳ واج و /ء/ ، /ا/ ، /ب/ ، /ا/ ، /د/ ، /ء/ = ۵ واج دارند.

✓ **نکته ۳.** حروفی که **مَشَدَد** (تشدید دار) هستند دو واج به حساب می‌آیند.

مثال ۲ مدَّت : /م/ ، /ء/ ، /د/ ، /د/ ، /ء/ ، /ت/ = ۶ واج
 و همچنین حروفی که خوانده نمی‌شوند، واج به حساب نمی‌آیند.

مثال ۳ **خواهر** ← /خ/ ، /ا/ ، /ه/ ، /ء/ ، /ر/ = ۵ واج
 چون واج واحد صوتی زبان است نه نوشتاری.

✓ **نکته ۴.** «حرف» صورت مکتوب و «واج» صورت ملفوظ است و زبان شناسان حرف را با علامت «ب» و واج را با علامت /ب/ نشان می‌دهند.

✓ **نکته ۵.** برای برخی از صداها (واج)، بیش از یک نشانه‌ی حرفی وجود دارد.

۱. واج /ز/ ← ۱- (ز) ۲- (ذ) ۳- (ض) ۴- (ظ)
۲. واج /س/ ← ۱- (س) ۲- (ث) ۳- (ص)
۳. واج /ت/ ← ۱- (ت) ۲- (ط)
۴. واج /ء/ ← ۱- (ء) ۲- (ع)
۵. واج /ه/ ← ۱- (ه) ۲- (ح)
۶. واج /غ/ ← ۱- (ق) ۲- (غ)

✓ **نکته ۶.** برخی از حروف برای نشان دادن بیش از یک صدا به کار می‌روند.

۱. حرف «و»: /o/ در «تو»، /U/ در «نور»، /V/ در «وام»
۲. حرف «ا»: /a/ «از»، /ā/ «دراز»، /e/ «احسان»، /o/ «اتاق»
۳. حرف «ی»: /y/ «یار»، /ī/ «نیکی»، /ā/ «موسی»، «عیسی»

✓ **نکته ۷.** در برخی واژه‌ها، حرف یا حروفی ظاهر می‌شود که نشان دهنده‌ی صدایی نیست؛ مانند نمونه‌ی «و» در واژه‌های «خواهر»، «خواهش» و جز این‌ها.

مثال ۴ برای واج نویسی:



۱. افراسیاب: /ء/، /ـَ/، /ف/، /ر/، /ا/، /س/، /ی/، /ی/، /ا/، /ب/
۲. دبیرستان: /د/، /ـَ/، /ب/، /ی/، /ر/، /ـَ/، /س/، /ت/، /ا/، /ن/
۳. برنامه: /ب/، /ـَ/، /ر/، /ن/، /ا/، /م/، /ـَ/
۴. کاردان: /ک/، /ا/، /ر/، /د/، /ا/، /ن/
۵. محبت: /م/، /ـَ/، /ح/، /ـَ/، /ب/، /ب/، /ـَ/، /ت/

تکواژ



- کوچک‌ترین واحد معنادار زبان را «تکواژ» می‌گویند که از تجزیه‌ی واژه به دست می‌آید. به عبارت دیگر ترکیب چند واج با هم که حاصل آن یک واحد معنی دار باشد.

✓ **نکته‌ی ۸.** هجا نیز از ترکیب چند واج حاصل می‌شود که می‌توان آن را در یک دم زدن بدون قطع نفس و بی فاصله ادا کرد. به عبارت دیگر به ازای هر یک مصوت یک هجا وجود دارد. (هجا، همان بخشی است که در دوره‌ی ابتدایی یاد گرفتیم.)

مثال ۵

- واژه‌ی دبیرستان، چهار هجا دارد، چون چهار مصوت دارد.
«ـَ» در «دَ» / «ی» در «بی» / «ـَ» در «رِس» / «ا» در «تان» ← دَ / بی / رِس / تان

تفاوت تکواژ و هجا

۱. هجا لزوماً یک واحد معنا دار نیست ولی تکواژ کوچکترین واحد معنی دار زبان است.

✓ **نکته‌ی ۹.** دبیرستان ← دو تکواژ دارد و هر دو معنی دار است: دبیر / ستان
ولی چهار هجا دارد که در این واژه هیچکدام معنی ندارد. دَ / بی / رِس / تان

۲. تکواژ می‌تواند فقط از یک واج ساخته شود. مانند: نقش نمای اضافه (ـِ) یا واو عطف (و) در گُلِ سرخ / گُل و بلبل ولی هجا حداقل از دو واج (صامت + مصوت) ساخته می‌شود. مانند: تا / پس / تان در واژه‌ی «تابستان»

تکواژها دو دسته‌اند:

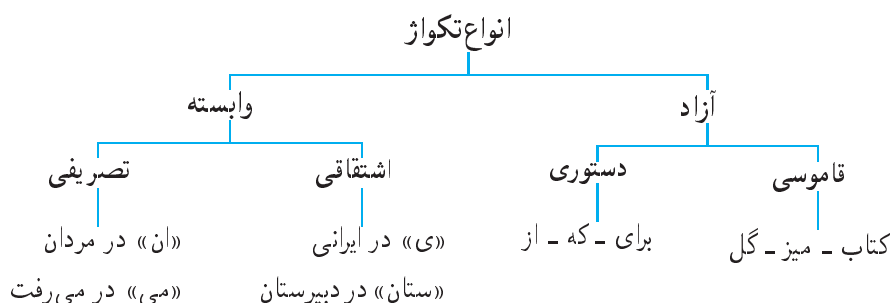


- **آزاد:** تکواژی است که معنی و کاربرد مستقل دارد. مانند: دل، کوه، رفت



- **تعریف** **وابسته:** تکواژی که کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگر به کار می‌رود. مانند: «ی» در ادبی / «گر» در کارگر / «بان» در باغبان / «مند» در کارمند

نمودار انواع تکواژها



توضیح انواع تکواژها:

- **تعریف** **قاموسی:** به تکواژهایی که ممکن است به تنهایی به صورت واژه‌های ساده به کار روند یا پایه‌ی واژه را در واژه‌های فعل یا غیرفعل تشکیل دهند، «واژگانی» یا «قاموسی» گفته می‌شود. مانند:

الف: کتاب - درخت - کوه - گل - آفتاب

ب: سوز در «می‌سوزد» / رو در «می‌رود» / نویس در «می‌نویسد»

- **تعریف** **دستوری:** به تکواژهایی که به صورت واژه به کار می‌روند، ولی در همان حال، فهرست بسته‌ای را تشکیل می‌دهند یعنی تعداد آن‌ها محدود است و به علاوه معنی، نقش یا رابطه‌ی دستوری خاصی را نشان می‌دهند، تکواژ «دستوری» یا «نقشی» گفته می‌شود. بر پایه‌ی تعریف یاد شده، **حروف اضافه** (از، به، با، بی، جز، تا، ...)، **حروف ربط** (و، ولی، که، زیرا، چون، تا، ...) و مانند این‌ها، واژه‌های «دستوری» یا «نقشی» هستند.

- **تعریف** **اشتقاقی:** به تکواژهایی که تنها به عنوان پیشوند و پسوند به همراه پایه‌ی واژگانی فعل یا غیرفعل به کار می‌روند و از این راه واژه پدید می‌آورند. (معنی واژه‌ی قبلی را تغییر می‌دهند). تکواژ «اشتقاقی» گفته می‌شود.



✓ **نکته ۱۰.** تکواژهای اشتقاقی دو ویژگی عمده دارند:

الف) در مقایسه با پایه‌ی واژه که به همراه آن به کار می‌روند، دسته یا مقوله‌ی دستوری واژه‌ی حاصل از اشتقاق را متفاوت می‌سازند.

مثال:

دان (پایه فعل) + ـِ ش ← دانش (اسم)

یعنی «دان» که **بن فعل** بود با ترکیب «ـِ ش» که تکواژ وابسته‌ی اشتقاقی بود به **اسم** (دانش) تبدیل شد.

بد (پایه‌ی صفت) + ی ← بدی (اسم)

بی (تکواژ وابسته) + ادب (پایه‌ی اسم) ← بی‌ادب (صفت)

ب) با همه‌ی پایه‌های واژگانی از یک دسته یا مقوله به کار نمی‌روند به عبارت دیگر این تکواژها با همه‌ی واژه‌ها نمی‌توانند ترکیب شوند.

مثال:

«درست»: دانشمند - هدفمند - قدرتمند ...

«نادرست»: ترسمند - مهمانمند - زبانمند ...



• **تصریفی:** به تکواژهایی که دارای دو ویژگی عمده‌ی زیر هستند، تکواژ «تصریفی» گفته می‌شود:

الف) برای همه‌ی واژه‌های هر دسته یا مقوله به طور یکسان و فعال به کار می‌روند.

ب) مقوله‌ی واژه‌ی حاصل را نسبت به پایه‌ی واژه تغییر نمی‌دهند.

بر پایه‌ی تعریف یاد شده تکواژهای زیر تصریفی هستند:

الف) نشانه‌ی جمع (= ها - ان و جز این‌ها) برای واژه‌های اسم، مانند: کتاب‌ها / درختان

ب) نشانه‌ی نکره (= ی) برای واژه‌های اسم، مانند: کتابی / شهری

پ) نشانه‌های برتر (= تر) و برترین (= ترین) برای واژه‌های صفت، مانند: بزرگ‌تر / بزرگ‌ترین

ت) نشانه‌ی برتر (= تر) برای واژه‌های قید، مانند: تندتر / شجاعانه‌تر



ث) پیشوندهای فعلی (پ، می، ن) مانند: بخوانی / می گوید / نروید

ج) نشانه‌های ماضی (= د، ید، ت، -اد)، نشانه‌ی صفت مفعولی (= ته، -ده، -یده، -اده)، نشانه‌های ماضی نقلی (= ام، -ای، -است، ...) مانند: خواند، ترسید، گفت، ایستاد ... / گفته، خوانده، نامیده، ایستاده / دیده‌ام، رفته‌ای، پرسیده است، ...

چ) نشانه‌های فعل (= م، -ی، -د، -یم، -ید، -ند) مانند: نوشتم، رفتی، می گوید، شنیدیم، گفتید، نوشتند.

✓ نکته‌ی ۱۱. کسره‌ی اضافه (= نقش نمای اضافه)، ضمائر و «و» عطف هر کدام یک تکواژ (دستوری) هستند.

مثال:

”کتابِ خوب” / ”برادرش” / ”علی و برادرش”

✓ نکته‌ی ۱۲. حروف اضافه‌ی از قبیل: برای، از برای، بهر، از بهر و ... یک واژه به حساب می‌آیند؛ (زیرا آخرین واج حروف اضافه (= متعلق به خود واژه‌است)

✓ نکته‌ی ۱۳. بن تمامی فعل‌ها (ماضی و مضارع) یک تکواژ آزاد هستند و شناسه‌های آنها یک تکواژ وابسته‌ی تصریفی به حساب می‌آیند چه لفظ آن در فعل باشد، چه محذوف باشد که در این صورت نشانه‌ی Ø را به عنوان تکواژ صفر برای نشانه‌ی محذوف در نظر می‌گیریم و در شمارش تکواژها Ø را یک تکواژ به حساب می‌آوریم یعنی می‌توان گفت هرگز فعل یک تکواژی نداریم و حداقل تکواژ هر فعل دو تکواژ است.

(بن فعل + شناسه) ← (شناسه چه مذکور باشد چه محذوف) افعالی که شناسه در آنها محذوف

است و باید یک تکواژ گرفته شود Ø عبارتند از:

۱. سوم شخص مفرد: (ماضی به جز ماضی التزامی = رفته باشد ← شناسه = د)

۲. فعل‌های امر مفرد: بگو، برو، ...

۳. و سه فعل: است، هست و نیست (باید توجه داشت که نیست سه تکواژ دارد: ۱- نه ۲-

است ۳- Ø)

مثال ۶ داشت می‌رفت ۵ تکواژ دارد: / داشت / ، / Ø / ، / می / ، / رفت / ، / Ø /

مثال ۷ برای تعیین تکواژهای جمله:



قلمرو خیال بسیار وسیع و پهناور است و هر چیز غیر ممکن می‌تواند در آن جا شدنی و بودنی باشد
تعداد تکواژ: قلم / رو / = / خیال / بسیار / وسیع / و / پهن / آ / و / است / Ø / و /
هر / چیز / = / غیر / = / ممکن / می / توان / د / در / آن / جا / شد / ن / ی /
و / بود / ن / ی / باش / د / (= ۳۴ تکواژ)

واژه



- **واژه** یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگتر به کار می‌رود.
واژه‌ها از نظر مفهومی به شکل‌های زیر استفاده می‌شود.
۱. می‌تواند مفهومی **مستقل** داشته باشد، مثل: دفتر، کتاب، مدرسه
۲. مفهومی **غیر مستقل** داشته باشد، مثل: از، در، که، را
۳. می‌تواند در **ساختار جمله مفهومی** پیدا کند، مثل: نقش نما اضافه (ی)، حرف پیوند ” و “
و ” ی “ اسنادی در تویی (= تو هستی)

✓ **نکته ۱۴.** نقش نمای اضافه، حروف ربط، حروف اضافه، وابسته‌های پیشین و پسین اسم (به جز ”نشانه‌های جمع” و ”ی” نکره) هر کدام یک واژه به حساب می‌آیند.

✓ **نکته ۱۵.** علامت‌های جمع و شناسه‌ی فعل‌ها، واژه محسوب نمی‌شوند، به عبارت دیگر هیچ کدام از تکواژهای وابسته (اشتقاقی و تصریفی)، واژه نیستند.

واژه از نظر ساختمان چهار نوع است:

۱. **ساده:** که فقط یک تکواژ دارد: کار - کتاب - میز
۲. **مرکب:** که حداقل از دو تکواژ آزاد تشکیل می‌شود: کتاب خانه - مهمان سرا
۳. **مشتق:** که از یک تکواژ آزاد و یک یا چند وابسته (وند) تشکیل می‌شود: رفتن - باغبان - کارگر
۴. **مشتق - مرکب:** واژه‌ای است که ویژگی مرکب و مشتق را با هم داشته باشد: دانش آموز - کشت و کشتار



مثال برای تعیین تعداد واژه‌های جمله:

مثال ۸ بهار در آثار ارزشمند خویش، به مسائل اصلی سبک شناسی نثر و نظم فارسی پرداخته است
تعداد واژه: بهار / در / آثار / = / ارزشمند / = / خویش / به / مسائل / = / اصلی / =
/ سبک شناسی / = / نثر / و / نظم / = / فارسی / پرداخته است. (۲۰ واژه)

گروه



• پس از جمله، بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود و در ساختمان جمله به کار می‌رود.

مثال ۹ کتاب / کتاب ادبیات / کتاب ادبیات فارسی
هر گروه از یک هسته تشکیل می‌شود، که می‌تواند تعدادی وابسته داشته باشد اما آمدن وابسته‌ها در گروه الزامی نیست.

گروه به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱. **گروه اسمی**: هسته‌ی این گروه یک «اسم» است.

مثال ۱۰ دانشمند / گل زیبا / مرد توانا / زمین حاصل خیز کشاورزی
در گروه‌های یاد شده، به ترتیب واژه‌های: دانشمند / گل / مرد / زمین، هسته‌ی گروه اسمی هستند.

۲. **گروه فعلی**: هسته‌ی گروه فعلی «بن فعل» است.

مثال ۱۱ پرسیدم / می‌نوشتند / می‌جویم / داشتند می‌خوردند /
در گروه‌های فعلی مذکور، به ترتیب: پرسید / نوشت / جو / خورد / هسته‌ی گروه فعلی هستند.

۳. **گروه قیدی**: هسته‌ی گروه قیدی، «قید» یا «اسم» است.

مثال ۱۲ خوشبختانه / همیشه / هرگز / ناگهان / و ...

✓ **نکته‌ی ۱۶**. گروه قیدی را می‌توان از جمله حذف کرد.

✓ **نکته‌ی ۱۷**. هر هسته می‌تواند وابسته‌هایی به همراه داشته باشد که وجود آن‌ها اختیاری است.

وابسته‌ها از نظر جایگاهشان در گروه اسمی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) **وابسته‌های پیشین** ب) **وابسته‌های پسین**

✓ **نکته‌ی ۱۸**. گروه می‌تواند فقط یک کلمه باشد (هسته).



مثال ۱۳ گل شکفت. (گل ← گروه اسمی = هسته / شکفت ← گروه فعلی)

تفاوت صفت پسین با مضاف‌الیه

۱. مضاف الیه اسم است و می‌توان بعضی از وابسته‌های پیشین (مثلاً، آن، هر) و وابسته‌های پسین اسم (مثلاً، ها، ان) را با مضاف الیه همراه کرد، در صورتی که این کار برای صفت عملی نیست.

مثال ۱۴ دانش آموزان کلاس ← دانش آموزان آن کلاس

دانش آموزان خوب ⇐ دانش آموزان آن خوب

۲. «ی» نشانه‌ی نکره می‌تواند میان صفت پسین و موصوف بیاید، اما میان مضاف و مضاف الیه نمی‌آید.

مثال ۱۵ گل زیبا ← گلی زیبا / گل لاله ⇐ گلی لاله

✓ **نکته‌ی ۱۹.** هسته‌ی گروه اسمی همیشه اولین کلمه‌ی گروه است به شرط آنکه آن کلمه وابسته پیشین و حرف اضافه نباشد.

مثال ۱۶ کلاس سوم دبیرستان: کلاس (هسته)

بهترین کلاس سوم دبیرستان: بهترین (وابسته پیشین) / کلاس (هسته)

مثال برای تعیین گروه‌های جمله:

۱. واج کوچک‌ترین واحد زبان است.

واج (نهاد، هسته)، کوچک‌ترین (وابسته پیشین، صفت عالی)، واحد (هسته)، زبان (وابسته‌ی پسین)

واج (گروه اسمی ۱)

کوچک‌ترین واحد زبان (گروه اسمی ۲)

است (گروه فعلی)

۲. بهترین داستان شاهنامه رستم و اسفندیار است.

بهترین (وابسته پیشین، صفت عالی)، داستان (هسته)، شاهنامه (وابسته‌ی پسین، مضاف

الیه)، رستم و اسفندیار (هسته) (اسفندیار معطوف است به رستم)

بهترین داستان شاهنامه (گروه اسمی ۱)

رستم و اسفندیار (گروه اسمی ۲)

است (گروه فعلی)



جمله



- **جمله** سخنی است که بتوان آن را به دو قسمت **نهاد** و **گزاره** تقسیم کرد. پس از جمله‌ی مستقل، بزرگ‌ترین واحد زبان «جمله» است. جمله از یک یا چند گروه ساخته می‌شود.

مثال ۱۷

یک گروه: رفت (گروه فعلی که نهاد آن محذوف است)

بیش از یک گروه: احمد از صدای رعد ترسید.

گروه اسمی (نهاد)

گروه اسمی (متمم) گروه فعلی

- **نهاد** اسم یا گروه اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و در مورد آن خبر می‌دهیم (**صاحب خبر**) و می‌توان آن را از جمله حذف کرد
- **گزاره** خبری است که در مورد نهاد می‌دهیم.



✓ **نکته‌ی ۲۰.** تمام اجزای جمله به غیر از نهاد، گزاره است.

✓ **نکته‌ی ۲۱.** هر گزاره دارای یک فعل است که هسته‌ی گزاره است و هر فعل نیز دارای شناسه است که شخص فعل را نشان می‌دهد و به آن «نهاد اجباری» یا «نهاد پیوسته» می‌گویند.

مثال ۱۸

سخت کوشان از هیچ مشکلی نمی‌هراسند.

(نَد = شناسه)

گزاره

نهاد

جمله‌ی مستقل



- **جمله‌ی مستقل** بزرگ‌ترین واحد زبان است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگتر نیست.

مثال ۱۹

«پس از جمله بزرگ‌ترین واحد زبان است» این جمله با توجه به جمله زیر، جمله‌ی مستقل نیست چون جزئی از واحد بزرگتر زیر است:

- **جمله‌ی مرکب:** «پس از جمله، گروه بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود.»

